

نطق آتشین یک روحانی در تلاویو

آیت‌الله شیخ عبدالکریم زنجانی از جمله عالمان شیعی بود که در راه تقریب مذاهب و وحدت میان مسلمین گام‌های بلندی برداشت. از جمله خصوصیات ایشان حمایت از فلسطین و هشدار نسب به تشکیل کشور یهودی آن هم ده سال پیش از انعقاد رژیم جعلی اسرائیل بود.

یکی از مهم‌ترین فرازهای زندگی آیت‌الله زنجانی حضور او در فلسطین، سخنرانی او در مسجدالاقصی و خطابه آتشینش در تلاویو بود. شرحی از سفر او به مصر، فلسطین و سایر کشورهای اسلامی در کتاب «صفحة من رحلة الإمام الزنجاني و خطبه في الأقطار العربية و العواصم الإسلامية» آمده است که بخش مربوط به فلسطین آن در ادامه از نظر می‌گذرد.

سفر به فلسطین

در آن هنگام که آیت‌الله زنجانی در قاهره به سر می‌برد شخصیت‌های زیادی از مراکز علمی و دینی در قاهره به به دیدار او می‌آمدند و از او برای دیدار از مؤسسان دعوت به عمل می‌آوردند. از جمله این دعوت‌ها، دعوت ویژه‌ای از سوی مفتی فلسطین آقای شیخ أمین الحسینی بود که از آیت‌الله زنجانی خواست به مسجدالاقصی رفته و حرم ابراهیمی را از نزدیک زیارت کند. این خبر در روزنامه‌های مصر منتشر شد و تصمیم امام زنجانی برای سفر به فلسطین به گوش همگان رسید.

سردبیر روزنامه مصری البلاغ در متنی با عنوان «مفتی فلسطین يدعو امام المسلمین» نوشته است: «تلگرافی از سوی مفتی بزرگ فلسطین علامه سید امین الحسینی تسلیم امام زنجانی شد. در این نامه آمده است اعراب و مسلمانان فلسطین به شدت مشتاق زیارت امام بزرگ خود هستند».

محمدعلی پاشا که حامل نامه بود ضمن تشویق آیت‌الله زنجانی از او خواست این دعوت را اجابت کند. کم‌زمینه سفر به قبله‌گاه اول مسلمین فراهم شد و استاد زنجانی به اتفاق هیئت همراه در ۲۲ رمضان ۱۳۵۵ ق (۱۶ آذر ۱۳۱۵ ش) وارد فرودگاه قدس شد و در آنجا استقبال بی‌نظیری از وی به عمل آمد؛ هزاران نفر از علما، بزرگان، سرکنسولگری‌های برخی از کشورها و در رأس آن‌ها مفتی بزرگ فلسطین به

استقبال استاد آمدند و سپس با احترام خاصی او و هیئت همراه را در منزل بزرگی که از قبل آماده کرده بودند اسکان دادند.

در مدت اقامت آیت‌الله زنجانی در شهر مقدس قدس طبقات مختلفی از مردم به زیارت او می‌آمدند و خانه او مملو از زائرین بود تا این که روز جمعه فرا رسید و مفتی فلسطین از استاد دعوت کرد بعد از فریضه جمعه در مسجدالاقصی سخنرانی کند.

خطابه آتشین او در مسجد الاقصی

آیت‌الله زنجانی در میان جمعیت انبوه نمازگزار، به طور خلاصه چنین گفت: «ای مردم عرب و ای مسلمانان! فراموش نکنید که شیطان نهال‌های خود را در زمین مقدس شما کاشت و متعهد شد آن‌ها را پرورش دهد تا این که هرگاه میوه‌های مسمومش به حد خوردن رسید گلوگیر شود و راه تنفس را ببندد. آری! جنگ شما بر ضد چنین مصیبت بزرگی است. ای مردم عرب و ای مسلمانان! امروز دولت‌هایی که بر عالم سیطره دارند دندان‌هایشان را تیز کرده و مقاصد پلیدشان را آشکار نموده‌اند و هیچ امیدی از عدالت و انصاف آن‌ها باقی نمانده است. شما نیز البته هیچ وسیله‌ای برای زندگی و بقای خود ندارید مگر اتفاق و همبستگی در راه دفاع از سرزمین مقدستان که در این صورت امید پیروزی زنده خواهد شد و خطر صهیون‌ها به زودی رفع خواهد شد».

سپس خطاب به همه کشورهای عربی گفت: «بر همه حکومت‌های عربی و اسلامی واجب است قضیه فلسطین را در بالاترین مرتبه اهمیت قرار داده و در جهت استیصال رژیم صهیونیستی گام‌های مؤثری بردارند. امروز فریاد من باید به گوش همه جهانیان برسد و به عنوان یک حماسه در قلب‌هایشان جا گیرد. لازم است فریاد گسترده مردم فلسطین در تمام روزنامه‌ها و رسانه‌های جهانی پخش گردد به طوری که حتی کرها نیز آن را بشنوند تا همگان بر افروخته گردند؛ (إِنَّ تَذْمُرُوا إِلَّا يَذْمُرْكُمْ وَيُذَبِّتْ أَوْدَامَكُمْ)».

پس از سخنرانی استاد زنجانی، مفتی بزرگ فلسطین خطاب به آیت‌الله زنجانی چنین گفت: «ای امام زنجانی درسی که شما امروز در مسجد الاقصی به مردم فلسطین داده‌اید ثمره‌اش بیشتر از صد هزار سرباز مسلح با تجهیزات کامل است. شما بر گردن فلسطین منتهی گذاشته‌اید که هیچگاه روزگار آن را فراموش نخواهد کرد و به زودی خواهید دید که فرزندان فلسطین چگونه از کشورشان دفاع خواهند کرد».

تل‌آویو پایتخت اسرائیل است و حضور یک روحانی شیعه و سخنرانی او بر ضد رژیم صهیونیستی در این شهر کار کار یک انسان معمولی نیست. او پس از دو روز اقامت در قدس شریف عازم تل‌آویو گشت و با رسیدن او به این شهر، خیابان‌ها را برای او و هیئت همراه گشودند تا این که در یک منطقه ساحلی توقف کرد. در آنجا جمع زیادی از یهودیان، صهیونیست‌ها و بزرگان مذهبی آنان حضور داشتند و از این که یک روحانی شیعه به طور ناگهانی وارد تل‌آویو شده است بسیار متعجب و کنجکاو بودند.

در این هنگام آیت‌الله زنجانی در فضایی آکنده از ترس و وحشت بر روی یک تپه مرتفع قرار گرفت و خطاب به دولت و مردم اسرائیل چنین گفت: «ای صهیونیست‌های استعمارگر، در این دوران که آتش وطن‌خواهی شعله‌ور است و نبض حیات هر دولتی در حال زدن است، شما التهاب نفوسی را که برای شعله‌ور شدن حماسه‌های قومی به هیجان آمده بیشتر می‌کنید و در زمانی که اوضاع سیاسی جهان چسبیده به ابرهای سبقت و پیشرفت سلاح است و دولت‌ها احزاب خود را به اتحاد و تعاون در زیر پرچم خود فرا می‌خوانند، شما صهیونیست‌ها که بر خلاف قاعده در جغرافیای جهان جای گرفته‌اید را می‌بینیم که موسیقی خواب‌های آشفته الوطن الیهودی را می‌نوازید».

در واقع می‌توان سخنرانی او در قلب دشمن و در مرکز اسرائیل را یک معجزه و از این جهت او را یک امت در لباس یک فرد دانست. سخنرانی او موجی از هیبت و عظمت الهی را در صهیونیست‌ها ایجاد نمود. این عمل وی شبیه مأموریت تاریخی علی(علیه‌السلام) در مکه بود که آیات هشدار دهنده سوره براءت را در ایام حج بر مشرکین تلاوت نمود. آری! این چنین بود که بزرگان یهود در برابر آیت‌الله زنجانی تواضع کردند و گردن‌هایشان را به نشانه احترام در برابر او خم نمودند و سپس بعضی از زعمای یهود از آیت‌الله زنجانی خواهش کردند تا نزد «اللجنة العربية العليا» (حزب بلند پایه عربی) برای تفاهم و آشتی بین یهود و سیاست‌مداران عرب، وساطت کند تا یهود را به عنوان یک کشور کوچک در بین حکومت عربی بپذیرند. اما آیت‌الله زنجانی در همان جا به شدت این تقاضا را رد کرد و گفت من معتقدم اعراب و حزب بلند پایه عربی هیچگاه فریب سخنان شما را نخواهند خورد.

پی‌نوشت: برگرفته از مقاله «شیخ عبدالکریم بن محمد رضا زنجانی(شکوه بیداری)»، رحیم ابوالحسینی